

بررسی مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی ایران: از دیدگاه رؤسای دانشگاه‌ها

سید جواد صالحی *

احمدرضاروشن **

داوود حاتمی ***

چکیده

در مطالعه حاضر، علاوه بر مرور ادبیات مربوط به خصوصی‌سازی آموزش عالی، عملکرد آن با استفاده از متون نظری و نیز پرسش از رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی - غیر انتفاعی کشور بررسی شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که به طور کلی روند خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران بسیار شبیه سایر بخش‌هاست و دارای ویژگی‌های زیر است: بدون حضور بخش خصوصی واقعی در کنار نقش گسترده بخش دولتی و شبه دولتی در آن، بدون رقابت، بدون آزادسازی بازار، بدون چارچوب‌های نظارت و ارزیابی کیفیت، بدون حضور مؤسسات خارجی، بدون حمایت‌های مالی و قانونی از بخش خصوصی واقعی، بدون مبانی نظری و نیز استفاده از خصوصی‌سازی به عنوان ابزار گسترش آموزش عالی تنها در جهت پاسخگویی به فشارهای ناشی از تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی. در پایان نیز پیشنهادهایی برای اجرای صحیح خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خصوصی‌سازی، مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی، رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها، روند خصوصی‌سازی آموزش عالی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

** عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و دانشجوی دکترای دانشگاه تهران

*** عضو هیات علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۸

مقدمه

بخش آموزش عالی بخش پرهزینه‌ای است. به موازات آن هم اکنون آموزش عالی بیش از هر زمان دیگری محرک رشد اقتصادی کشورهاست و به همان میزان در برآورده کردن آرمان‌های اقشار مختلف جامعه و سهم کردن آنان در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد؛ چرا که مواجه شدن با این آرمان‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و تحکیم روابط اجتماعی برای دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین دلیل، آموزش عالی نیاز دارد تا در حد توان خود برای تعلیم دانشجویان بیشتر تلاش و در این زمینه سرمایه‌گذاری کند^۱.

افزایش تقاضای اجتماعی، تدارک مشاغل سودمند، تدارک مخارج آموزشی، رشد اقتصاد بازار و ظهور اندیشه‌های خودگردانی، همه جزو مسائلی است که آموزش عالی را دچار چالش کرده و به تبع آن، آموزش عالی با موضوعات جدیدی چون تنوع فرصت‌ها برای آموزش، میزان دسترسی به آن و کیفیت آموزش عالی دست به گریبان است و به خصوصی‌سازی به عنوان ابزاری برای غلبه بر این چالش‌ها نگریسته می‌شود. خصوصی‌سازی در اکثر کشورها به دنبال افزایش کارایی از طریق سپردن فعالیت‌ها به مکانیسم خود سامان بخش بازار آزاد است. طرفداران مکانیسم خود سامان بخش بازار بر این باورند که انتقال سازمان‌ها و بنگاه‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی همراه با افزایش کارایی است. در رابطه با این هدف (افزایش کارایی) باید به دو مقوله «کارایی داخلی بنگاه»^۲ و «کارایی تخصیص منابع»^۳ توجه خاص کرد. اگر چه افزایش کارایی در هر دو مورد به عنوان هدف اصلی خصوصی‌سازی است، ولی باید توجه داشت که این دو مقوله لزوماً در طول همدیگر نیستند و گاه سیاستگذار در فرایند خصوصی‌سازی مجبور می‌شود یکی را به جای دیگری فدا کند. به عبارت دیگر، ممکن است با یک جابه‌جایی^۴ بین افزایش کارایی داخلی بنگاه و کارایی تخصیص منابع مواجه شویم. (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۵)

1. Barr and Crawford 2005.
 2. Internal Efficiency
 3. Allocation Efficiency
 4. Trade-off

امروزه تعداد سؤالات در مورد خصوصی سازی آموزش عالی بسیار بیش از پاسخ هاست. این سؤالات خود را در قالب انتقاداتی نشان می دهد. از جمله انتقاداتی که به آموزش عالی می شود پر هزینه بودن، بهره وری پایین و کیفیت نازل مدیریت و رهبری دانشگاه ها است. (روشن، ۱۳۸۷)

به منظور ارزیابی درست سیاست خصوصی سازی باید ابتدا دلایل ایجاد بنگاه های عمومی را بیان کرد (وندرو هوون و سیراتسکی، ۱۳۷۷). یکی از این دلایل عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری در رشته هایی است که از ریسک بالایی برخوردارند. در چنین حوزه هایی تنها سرمایه گذاران مخاطره طلب^۱ وارد می شوند. از این رو، دولت خود مجبور است حداقل در مراحل اولیه ایجاد چنین شاخه هایی از فعالیت را به عهده بگیرد. از جمله این موارد آموزش عالی است که با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ از سوی دولت به آن رسمیت داده شد اما به مرور بخش خصوصی نیز به آموزش عالی راه یافت. دلایل مختلفی برای استقبال از خصوصی سازی مطرح بوده است؛ از جمله: افزایش رقابت بین مؤسسات آموزش عالی، افزایش کیفیت، افزایش کارایی درونی و بیرونی آموزش عالی، کمک به کاهش بار مالی دولت و کمک به گسترش آموزش عالی.

شواهد تجربی، این نکته که افزایش رقابت، منجر به افزایش تبعات مثبت خصوصی سازی می شود را تأیید می کند. به علاوه، برخی مطالعات، مؤکداً پیشنهاد می کنند افزایش محیط رقابت آمیز، بیش از انتقال مالکیت (از دولت به بخش خصوصی) کارایی اقتصادی را افزایش می دهد. دولت ها به تجربه دریافته اند که موفقیت خصوصی سازی مستلزم اجرای یک بسته سیاست گذاری^۲ و اجرای چند سیاست و برنامه به موازات یکدیگر است. از جمله: در معرض رقابت قرار دادن شرکت های دولتی، دسترسی آزاد بخش خصوصی برای سرمایه گذاری، ایجاد بازار مدیران، دور نگاه داشتن بحث خصوصی سازی از ملاحظات سیاسی و ...^۳

^۱. Venture Capitalist

^۲. Package

^۳. Kikery and Nellis, 2004

هدف مقاله حاضر، بررسی عملکرد خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران پس از انقلاب و واکاوی نقاط ضعف آن و نیز ارائه راهکارهایی برای انجام صحیح‌تر آن در آینده است.

روش

در این مقاله، ابتدا با روش کتابخانه‌ای و توصیفی و بررسی اسناد و مطالعه کارهای پژوهشی داخلی و خارجی انجام گرفته تاکنون، تجربه سایر پژوهشگران گردآوری و دسته بندی شد.

همچنین با استفاده از روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه نظر رؤسای دانشگاه‌های دولتی و مدیران مؤسسات خصوصی آموزش عالی ایران، در مورد خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و مشکلات پیرامون آن پرسیده شد. به دلیل اینکه پرسشنامه استاندارد در مورد خصوصی‌سازی آموزش عالی وجود نداشت، یک پرسشنامه محقق ساخته طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۱۷ گویه بود که با مقیاس لیکرت با انتخاب‌های کاملاً مخالف، مخالف، تاحدودی، موافق و کاملاً موافق طبقه‌بندی شده بود.

در مجموع از ۲۵۶ پرسشنامه ارسالی برای رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی - غیر انتفاعی تعداد ۱۴۲ پرسشنامه تکمیل و ارسال شد. بدین ترتیب، نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها ۵۵/۵ درصد بود. از تعداد کل پرسشنامه‌های تکمیلی ۶۳ عدد (۴۴/۴ درصد) مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی (غیر انتفاعی) و ۷۹ عدد (۵۵/۶ درصد) مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بود که طبق تعریف سازمانی زیر مجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محسوب می‌شدند. اعتبار صوری^۱ پرسشنامه توسط متخصصین امر تایید گشت و از آماره آلفای کرونباخ^۲ برای سنجش قابلیت اعتماد (پایایی یا روایی)^۳ سؤالات پرسشنامه استفاده شد. میزان روایی سؤالات ۰/۷۱. به دست آمد.

به نظر برخی پژوهشگران، هنوز هم برای تئوری اقتصادی مشکل است که تفاوت

1. Face Validity
2. Cronbachs Alpha
3. Reliability

دقیق بنگاه‌های خصوصی و عمومی را توضیح دهد.^۱ از این روی، ارزیابی تأثیرات خصوصی سازی بر اقتصاد کلان، کاری مشکل است. این مشکل است که آثار فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و بخش دولتی بر متغیرهای اقتصاد کلان مانند GDP، نرخ بیکاری و کسر بودجه را مشخص کنیم. فعالیت انبوه بنگاه‌های خصوصی و دولتی در یک زمان روی می‌دهد و مجزا کردن دقیق تأثیرات آنها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در تحلیل خصوصی سازی بایستی دقت کرد که آیا سهم و نقش دولت در سایر امور اجتماعی و فعالیت‌هایی که منافع بلندمدت اجتماعی و اقتصادی را ایجاد می‌کنند افزایش یافته است یا نه؟ در واقع، خصوصی سازی به معنی برداشتن بار از روی دوش دولت نیست، بلکه به معنی پذیرش مسئولیت‌های جدید و مهم‌تر از سوی دولت است.^۲

موافقان خصوصی سازی آموزش عالی: هنوز دلایل زیادی برای نگرانی در مورد عدم توانایی دولت در تأمین بودجه آموزش عالی در مقایسه با سایر وظایف اصلی او وجود دارد. از جمله هزینه‌های رقیب آموزش عالی می‌توان به هزینه‌های مربوط به آموزش دوره‌های ابتدایی و متوسطه، هزینه‌های بهداشتی و نیز هزینه‌های مربوط به قوه قضائیه و تأمین امنیت داخلی و خارجی اشاره کرد. و این مشکلات در زمان کساد و رکود اقتصادی تشدید می‌شود. ۵۰ سال پیش، سیستم‌های دانشگاهی کوچک و تنها شامل تعداد معدودی رشته تحصیلی بودند، امروز به دلیل پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، دانشگاه‌های بیشتر و با دانشجویان و همچنین رشته‌های تحصیلی گسترده‌تر، تأسیس شده‌اند.^۳

برای آموزش عالی میلتن فریدمن معتقد است که آن را باید بیشتر به حال خود گذاشت و مؤسسات آموزش عالی که دولت اداره می‌کند باید از طریق شهریه مخارج خود را تأمین کنند. فریدمن بر این عقیده است که مخارج آموزش تخصصی و حرفه‌ای را باید آنهایی بپردازند که از آن بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا بازده سرمایه‌گذاری در انسان

¹. Schmidt, 1996

². Sheshinski and Lopez – Calva 2003

³. Barr and Crawford-2005

بسیار زیاد است. (ابراهیمی-۱۳۷۵) فریدمن عمده‌ترین دلیل دخالت دولت در امر آموزش را، وجود آثار خارجی آن و تأثیر این عامل در سطح آموزش‌های عمومی و آموزش فنی و تخصصی متفاوت می‌داند. وجود حداقلی از سواد و پذیرش گسترده دسته‌ای از ارزش‌های مشترک، برای تداوم جامعه‌ای با ثبات و دموکراتیک ضروری است و آموزش در هر دو مقوله مؤثر است. اما وجود آثار خارجی، دخالت دولت را در چه سطوحی از آموزش و به چه میزان مشروعیت می‌بخشد؟ در صورتی که عموم شهروندان قادر باشند هزینه آموزش اجباری کودکان خود را در دوره ابتدایی بپردازند، دخالت دولت در آموزش عمومی ضروری نیست، اما وجود تفاوت بین خانوارها از حیث تعداد فرزند و منابع مالی و هزینه‌های گزاف آموزش استاندارد، دخالت دولت را ضروری می‌سازد. از این رو، دولت‌ها پرداخت یارانه به آموزش‌های دوره ابتدایی را عهده‌دار شده‌اند. به نظر می‌رسد آموزش‌های دوره متوسطه نیز دارای آثار خارجی گسترده‌ای است؛ زیرا افراد توان‌تر و لایق‌تری را برای عهده‌دار شدن مشاغل سیاسی و اجتماعی آماده می‌کند. به این دلیل، دولت‌ها به این سطح نیز یارانه پرداخت می‌کنند. اما فریدمن معتقد است دادن یارانه به آموزش‌های عالی و تخصصی بر اساس معیار اثرات خارجی توجیه‌پذیر نیست؛ زیرا نمی‌توان دقیقاً تعیین کرد که به کدام یک از سطوح آموزش و به چه میزان باید یارانه پرداخت شود. با بالا رفتن از نردبان آموزش، آثار خارجی آن، کاهش یافته و توجیه پرداخت یارانه کم رنگ‌تر می‌شود. تا اینجا تأمین مالی سطوح آموزشی توسط دولت مطرح بود، اما اداره عملی نهادهای آموزشی توسط دولت با هیچ مبنایی قابل توجیه نیست. به نظر فریدمن لازمه تأمین مالی مؤسسات آموزشی ملی کردن آنها نیست. فریدمن ابتدا روش‌های متداول دخالت دولت در بخش آموزش عالی را رد می‌کند و نقصان بازار سرمایه را به هیچ عنوان دلیلی برای دولتی کردن، رایگان کردن، یا پایین نگه داشتن شهریه دانشگاه‌ها نمی‌داند. (رفعت‌جاه-۱۳۷۸)

مخالفان خصوصی‌سازی آموزش عالی: خصوصی‌سازی علی‌الغالب محصول عملکرد ناقص و معیوب نهادهای دولتی در هر جامعه است و اگر نهادها و سازمان‌های دولتی به درستی فعالیت کنند، چه بسا جایی برای طرح مسئله خصوصی‌سازی به وجود نیاید، به هر حال، در اغلب موارد، خصوصی‌سازی اقدام سیاسی است که به عنوان

بخشی از یک برنامه گسترده‌تر تعدیل ساختاری یا ایجاد تغییرات سیاسی اجراء می‌شود (وندر هوون و سیراتسکی، ۱۳۷۷).

خصوصی‌سازی آموزش عالی مخالفینی نیز دارد تا جایی که برخی اعتقاد دارند، اثر خصوصی‌سازی بر آموزش عالی تقریباً تماماً منفی است. مؤسسات آموزش عالی خصوصی که به اعتقاد برخی بهتر است آنها را مؤسسات تجاری (Trade Institutions) نامید، به طور قارچ‌گونه‌ای در حال رشد هستند. در کشور کوچک‌ی همچون السالوادور حدود ۴۰ مؤسسه آموزش عالی خصوصی وجود دارد. تنها تعداد معدودی از دانشگاه‌های خصوصی توانسته‌اند کیفیت بالایی در ارائه خدمات داشته باشند و اغلب آنها تنها به آموزش‌های در سطح پایین بسنده می‌کنند. انجام تحقیقات پایه نیز بدین ترتیب در دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه کاهش می‌یابد و محققان در اثر تأکید بر «کاربردی بودن» پژوهش‌ها مجبور به دور شدن از انجام تحقیقات مستقل می‌شوند. علاوه بر آن، در کشورهای در حال توسعه، والدینی که منابع مالی کمی در اختیار دارند و صاحب چندین فرزند هستند، در موقعیت سختی برای انتخاب قرار دارند؛^۲ چرا که هزینه و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بسیار بالاست؛ به طوری که تنها دارندگان درآمدهای متوسط و بالا قادرند در این دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیل کنند. دانشجویان کم درآمد و بی‌بضاعت به واسطه اینکه توانایی پرداخت مخارج و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی را ندارند معمولاً دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی اغلب مشتریان توانگر را جذب می‌کنند.

از سوی دیگر، از بعد اقتصاد سیاسی برخی از تحلیلگران مخالف تأمین مالی دانشگاه‌ها از طریق بخش خصوصی هستند؛ چرا که استقلال آنان را به خطر می‌اندازد. به عقیده این عده این روش، دانشگاه‌ها را مجبور به در پیش گرفتن رفتار بازاری می‌کند. از جمله این افراد جنیفر واشبورن^۳ () است که در کتاب "دانشگاه - بنگاه: انحراف

^۱ . Applicability

^۲ . Koblitz, 1998

^۳ . Jennifer Washburn

آموزش عالی " معایب و تبعات علمی بازاری شدن دانشگاه‌ها را به صورت آماري بررسی کرده و مواردی را نشان داده است که محققان تحت فشار بوده‌اند که یافته‌های تحقیقاتی خود را که به ضرر شرکت بخصوصی بوده است منتشر نکنند. به عقیده وی چنین عملکردهایی دانشگاه‌ها را به «نمونه‌های بازاری دانشگاه» تبدیل می‌کند که به طور فزاینده‌ای سود کوتاه مدت را بر تحقیقات اساسی و وظایف انسانی دانشگاه مرجح می‌دانند.^۱

خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران: خصوصی‌سازی آموزش عالی پدیده جدیدی نیست. در بسیاری از کشورها مؤسسات آموزش عالی خصوصی نقش مهمی را در توسعه تحصیلات عالی ایفا کرده‌اند. در برخی کشورها سابقه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی به چند قرن پیش باز می‌گردد. در ایران نیز خصوصی‌سازی اساساً به عنوان یک استراتژی توسعه آموزش عالی اهمیت یافته است. (ابراهیمی-۱۳۷۵) با تأسیس وزارت آموزش عالی، در اواخر دهه ۱۳۴۰ دوره تازه‌ای از تاریخ آموزش عالی در ایران آغاز شد و این مصادف بود با دوران رشد سریع اقتصادی ایران، احتیاج بیشتر به کادرهای صنعتی و اداری و امکانات مالی بیشتر دولت. برنامه‌های عمرانی پنج ساله، نیازها را تعیین می‌کردند و امکانات برنامه‌ریزی آموزشی فراهم شده و تحقیقات کاربردی مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، تقاضا برای ورود به آموزش عالی نیز افزایش یافت و دانشگاه‌های موجود، نتوانستند جوابگوی این درخواست باشند. یکی از راه‌حل‌ها، قبول اصل سرمایه‌گذاری خصوصی در آموزش عالی بود که تا آن زمان (به استثنای تجربه محدود دانشگاه ملی) در ایران سابقه نداشت.

بدین سان، موضوع ایجاد مدارس عالی خصوصی، مطرح شد و وزارت علوم این امر را تشویق کرد و متعاقب آن، مدارس عالی خصوصی در تهران و شهرهای دیگر به وجود آمدند؛ به طوری که بعد از تأسیس دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۳۹ تا آخر دهه ۱۳۴۰، تعداد ۱۳ واحد مؤسسه غیردولتی تأسیس شد و تا نیمه دهه ۱۳۵۰ با شتاب رشد کرد تا بدان جا که شمار آنها به بیش از ۴۰ واحد فزونی یافت و از آن زمان به

^۱. Washburn-۲۰۰۵

بعد، بر اثر برنامه‌های دولت مبتنی بر رایگان کردن آموزش تا سطح دانشگاه، دوران افول این واحدها فرا رسید، چنانکه شمار آن در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ به ۱۷ واحد کاهش یافت و در سال بعد جملگی به مؤسسات کاملاً دولتی تبدیل شدند (رفعت‌جاه-۱۳۷۸).

بعد از انقلاب اسلامی افزایش تقاضای اجتماعی و اقتصادی برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، وجود هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و عدم وجود بودجه کافی برای گسترش آموزش عالی مسئولان را بر آن داشت تا با ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی و دریافت بخشی از هزینه‌های تحصیلی از دانشجویان زمینه را برای ورود دوباره بخش خصوصی فراهم کنند. سپس با تصویب آیین‌نامه تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی سعی شد راه برای سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی باز شود. اگرچه به غیر از دانشگاه آزاد اسلامی که از پشتوانه سیاسی و مالی مسئولان رده بالای مملکتی برخوردار بود سایر دانشگاه‌ها غیردولتی رشد چندانی نداشته‌اند ولی تصویب چنین آیین‌نامه‌ای نشان از علاقه و اهتمام مسئولان به مشارکت بیشتر بخش خصوصی در آموزش عالی ایران داشت. با مطرح شدن تأسیس دانشگاه آزاد و تأیید اعضای شورای اقتصاد، پیش‌نویس طرح اولیه نیز تهیه شد که بعدها با تغییراتی به صورت اولین اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی درآمد. اساسنامه اولیه در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ به ثبت رسید و براساس آن دانشگاه شخصیت حقوقی یافت. سپس در دی‌ماه، ۱۳۶۴ با توجه به آیین‌نامه تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی اساسنامه جدیدی تهیه شد که در تاریخ ۱۳۶۶/۸/۱۲ به تصویب شورای انقلاب فرهنگی رسید. (ابراهیمی-۱۳۷۵) بدین ترتیب چنان که پیداست دانشگاه آزاد در پاسخ به ضرورت‌های اجتماعی و به عنوان اصلی‌ترین محور حضور بخش غیردولتی به آموزش عالی، قبل از اینکه قانون مصوبی در مورد تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی وجود داشته باشد به وجود آمد.

گرچه حدود نیمی از دانشجویان کشور در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند اما به لحاظ بررسی این موضوع که

تأمین هزینه‌های آموزش عالی بیشتر بردوش چه کسی است، تقسیم بندی دانشگاه‌ها به خصوصی و دولتی کافی نیست. در این زمینه بهترین تقسیم بندی این است که بدانیم از مجموع دانشجویان یک کشور، چند درصد شهریه می‌پردازند و چند درصد از آموزش عالی رایگان بهره‌مند می‌شوند. صرف‌نظر از اینکه این مؤسسات تحت مالکیت و یا مدیریت دولتی هستند یا خصوصی. از این روی، در این قسمت نظام آموزش عالی براساس دانشجو و آن هم دانشجویانی که شهریه می‌پردازند و دانشجویانی که شهریه نمی‌پردازند دسته بندی شده است.

بخش دانشجویان شهریه‌ای به پنج گروه تقسیم بندی شده است: دانشجویان دوره شبانه، دانشجویان دانشگاه پیام نور، دانشجویان دانشگاه جامع علمی - کاربردی، دانشجویان شاغل به تحصیل در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. دانشجویان غیر شهریه‌ای نیز شامل دانشجویان روزانه حضوری است که در دستگاه‌های دولتی نظیر وزارت علوم، وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش و سایر سازمان‌های دولتی ارائه دهنده آموزش عالی رایگان به تحصیل اشتغال دارند.

از جدول (۱) سهم دانشجویان دوره‌های مختلف را از تعداد کل دانشجویان می‌توان مستفاد کرد (روشن - ۱۳۸۷). در میان دوره‌هایی که از دانشجویان شهریه اخذ می‌کند بیشترین سهم از آن دانشگاه آزاد است؛ به طوری که ۴۵/۶ درصد از کل دانشجویان کشور در سال ۱۳۸۵ (سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵) در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. پس از آن دانشگاه پیام نور با سهم ۲۴/۷ درصد قرار داد و به دنبال آنها به ترتیب دوره‌های شبانه (۶/۹ درصد)، مؤسسات غیر دولتی - غیرانتفاعی (۳/۴ درصد) و دانشگاه جامع علمی - کاربردی (۳/۱ درصد) قرار دارند. در مجموع نیز سهم دانشجویان شهریه‌ای از کل دانشجویان در سال ۱۳۸۵ معادل ۸۳/۵ درصد است که این رقم برای دانشجویان غیر شهریه‌ای تنها ۱۶/۵ درصد است.

جدول (۱) سهم دوره‌ها و دانشگاه‌های مختلف از کل دانشجویان

نوع دوره یا دانشگاه	متوسط نرخ رشد سالانه طی	سهم از کل دانشجویان در
---------------------	-------------------------	------------------------

سال های ۸۵-۱۳۷۰ (درصد)	سال ۱۳۸۵ (درصد)	
۱۶	۶/۹	شبانه
۲۰	۲۴/۷	دانشگاه پیام نور
۱۱۹	۳/۱	دانشگاه جامع علمی- کاربردی
۳۲	۳/۴	مؤسسات غیر دولتی - غیر انتفاعی
۱۲	۴۵/۶	دانشگاه آزاد
۳	۱۶/۵	دانشجویان غیر شهریه‌ای
۱۵	۸۳/۵	دانشجویان شهریه‌ای
۱۱	۱۰۰	کل دانشجویان کشور

چنانچه اصطلاح «خصوصی سازی» در آموزش عالی را فرایند یا گرایشی در نظر بگیریم که در آن دانشگاه‌ها و مدارس عالی (اعم از دولتی و یا خصوصی) منش‌ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی و اقتصاد بازار را در پیش بگیرند (جانستون-۱۳۸۳). بنابراین، تغییر رفتار دانشگاه‌های بخش دولتی به سمت تأمین منابع از دانشجویان و کاهش یارانه و بودجه عمومی اختصاص داده شده نیز نوعی خصوصی سازی آموزش عالی قلمداد می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت گرچه نظام آموزش عالی ایران یک نظام متمرکز محسوب می‌شود که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آن توسط چند دستگاه رسمی دولتی انجام می‌گیرد اما عمده هزینه‌های آن بر دوش مردم است، به طوری که بیش از چهار پنجم دانشجویان کشور در دوره‌های شهریه‌ای مشغول به تحصیل‌اند و بخش عمومی مسئولیت کمی در قبال تأمین هزینه‌های آموزش عالی بر عهده گرفته است.

نظر رؤسا و مدیران مؤسسات آموزش عالی: (جدول ۲) نشان دهنده توزیع جمعیت پاسخگویان بر حسب دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی (غیر انتفاعی) است. چنانکه پیداست ۴۴/۴ درصد (۶۳ نفر) پاسخگویان جزء مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی و خصوصی و مابقی که ۵۵/۶ (۷۹ نفر) دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بودند که تقریباً وزنی نزدیک به هم دارند.

هفده پرسش مورد بررسی مشتمل بر مهم‌ترین مسائل و چالش‌های مطرح در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی است که نتایج کلی آن در جداول (۳ و ۴) بر حسب گزینه‌های مورد نظر رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی (به طور کلی) و در جداول (۵ و ۶) به ترتیب نظر مدیران مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی به طور مجزا گردآوری شده است.

جدول (۲) توزیع جمعیت پاسخگویان بر حسب دانشگاه خصوصی و دولتی

دانشگاه	فراوانی	درصد معتبر
خصوصی	۶۳	۴۴.۴
دولتی	۷۹	۵۵.۶
جمع	۱۴۲	۱۰۰.۰

یافته‌ها

در گویه شماره یک (جدول ۳) عبارت «لازمه موفقیت خصوصی‌سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است.» را به نظرسنجی گذاشته است. شاید جای بسی خوشبختی باشد که این گویه در تقسیم بندی نهایی مهم ترین گویه از نظر پاسخ گویان شناخته شده است. بسیاری از کارشناسانی که بنا به دلایل مختلف از خصوصی سازی آموزش عالی دفاع می کنند به موازات آن بر اهمیت نظارت و ارزیابی برای جلوگیری از افت کیفیت آن تاکید می ورزند. نظارت بر آموزش عالی در کشورهای پیشرفته و مبتنی بر اقتصاد بازار نیز امری پذیرفته شده است. (سانبال-۱۳۷۹)

جدول (۳) توزیع فراوانی نظر پاسخگویان در مورد ابعاد مختلف خصوصی سازی آموزش عالی (کل پاسخگویان)

کاملاً موافق	موافق	تاحدودی	مخالف	کاملاً مخالف	گویه‌ها
۶۰.۷	۲۸.۶	۵.۰	۵.۷	-	لازمه موفقیت خصوصی سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است.
۴۶.۱	۳۰.۵	۱۶.۳	۵.۷	۱.۴	خصوصی سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه های دولت را کاهش می دهد.
۳۲.۹	۳۸.۶	۱۵.۰	۱۲.۱	۱.۴	خصوصی سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می دهد.
۱۸.۴	۴۱.۸	۱۹.۱	۱۶.۳	۴.۳	دانشگاه های دولتی بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت های خود به بخش خصوصی داشته باشند.
۲۲.۱	۳۵.۰	۱۸.۶	۲۰.۷	۳.۶	خصوصی سازی آموزش عالی، الزاماً باعث افزایش کیفیت آموزش عالی نمی شود.
۱۶.۴	۳۲.۹	۳۰.۰	۱۸.۶	۲.۱	خصوصی سازی آموزش عالی، افزایش رضایت مشتریان را به دنبال دارد.
۱۹.۰	۲۴.۸	۳۱.۴	۲۲.۶	۲.۲	با افزایش مؤسسات آموزش عالی خصوصی، عملکرد دانشگاه های دولتی ایران بهبود می یابد.
۱۶.۳	۲۴.۴	۲۹.۶	۲۵.۹	۳.۷	هم اکنون مؤسسات آموزش عالی خصوصی موجود، از استقلال سازمانی لازم (در زمینه های مالی، مدیریتی، آموزشی و ...) برخوردار نیستند.
۱۲.۳	۱۸.۸	۳۹.۹	۲۴.۶	۴.۳	عملکرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، تاکنون موفق نبوده است.
۱۳.۵	۱۵.۶	۳۲.۶	۳۱.۹	۶.۴	هم اکنون بخش دولتی، رقیب یا مانعی برای گسترش خصوصی سازی آموزش عالی در ایران است.
۱۰.۹	۱۸.۱	۲۱.۷	۴۲.۰	۷.۲	خصوصی سازی آموزش عالی، تاکنون بیش از حد انجام گرفته است.
۷.۸	۱۹.۱	۱۹.۹	۳۹.۷	۱۳.۵	خصوصی سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش می دهد.
۱۰.۱	۱۶.۵	۳۲.۴	۳۴.۵	۶.۵	هم اکنون فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک است.
۱۰.۲	۱۳.۱	۱۴.۶	۴۲.۳	۱۹.۷	اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود.
۷.۲	۱۵.۹	۱۱.۶	۳۳.۳	۳۱.۹	خصوصی سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه های دولتی موجود نیز بشود.
۹.۰	۱۲.۷	۱۰.۴	۴۴.۰	۲۳.۹	بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود.
۷.۴	۸.۹	۱۴.۱	۵۰.۴	۱۹.۳	خصوصی سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه ها لطمه می زند.

جدول (۴) توزیع فراوانی نظر پاسخگویان در مورد ابعاد مختلف خصوصی سازی آموزش عالی (کل پاسخگویان)

گویه‌ها	کاملاً مخالف و مخالف	مخالف و کاملاً موافق	کاملاً موافق و کاملاً موافق
۱. لازمه موفقیت خصوصی سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است.	۵.۷	۵.۰	۸۹.۳
۲. خصوصی سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد.	۷.۱	۱۶.۳	۷۶.۶
۳. خصوصی سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می‌دهد.	۱۳.۶	۱۵.۰	۷۱.۴
۴. دانشگاه‌های دولتی بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت‌های خود به بخش خصوصی داشته باشند.	۲۰.۶	۱۹.۱	۶۰.۳
۵. خصوصی سازی آموزش عالی، الزاماً باعث افزایش کیفیت آموزش عالی نمی‌شود.	۲۴.۳	۱۸.۶	۵۷.۱
۶. خصوصی سازی آموزش عالی، افزایش رضایت مشتریان را به دنبال دارد.	۲۰.۷	۳۰.۰	۴۹.۳
۷. با افزایش مؤسسات آموزش عالی خصوصی، عملکرد دانشگاه‌های دولتی ایران بهبود می‌یابد.	۲۴.۸	۳۱.۴	۴۳.۸
۸. هم‌اکنون مؤسسات آموزش عالی خصوصی موجود، از استقلال سازمانی لازم (در زمینه‌های مالی، مدیریتی، آموزشی و ...) برخوردار نیستند.	۲۹.۶	۲۹.۶	۴۰.۷
۹. عملکرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، تاکنون موفق نبوده است.	۲۹.۰	۳۹.۹	۳۱.۲
۱۰. هم‌اکنون بخش دولتی، رقیب یا مانعی برای گسترش خصوصی سازی آموزش عالی در ایران است.	۳۸.۳	۳۲.۶	۲۹.۱
۱۱. خصوصی سازی آموزش عالی، تاکنون بیش از حد انجام گرفته است.	۴۹.۳	۲۱.۷	۲۹.۰
۱۲. خصوصی سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهد.	۵۳.۲	۱۹.۹	۲۷.۰
۱۳. هم‌اکنون فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک است.	۴۱.۰	۳۲.۴	۲۶.۶
۱۴. اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود.	۶۲.۰	۱۴.۶	۲۳.۴
۱۵. خصوصی سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه‌های دولتی موجود نیز بشود.	۶۵.۲	۱۱.۶	۲۳.۲
۱۶. بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود.	۶۷.۹	۱۰.۴	۲۱.۶
۱۷. خصوصی سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه‌ها لطمه می‌زند.	۶۹.۶	۱۴.۱	۱۶.۳

طبق جدول (۴) معادل ۸۹/۳ درصد از پاسخگویان (اعم از مدیران مؤسسات آموزش عالی بخش دولتی و بخش خصوصی) موافق یا کاملاً موافق با این گویه بوده‌اند. این رقم در بین پاسخگویان بخش خصوصی ۹۰/۲ درصد (جدول ۵) و در بین پاسخگویان بخش دولتی ۸۸/۲ درصد (جدول ۶) است.

گویه شماره ۲ (شماره و ترتیب گویه‌ها در جدول ۳ آورده شده است) این مفهوم را که «خصوصی سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد»

مورد نظر قرار می‌دهد که طبق نتایج به دست آمده ۷۶/۶ درصد از کل پاسخگویان در زمره موافق یا کاملاً موافق این عبارت قرار می‌گیرند. این درصد در بین پاسخگویان مسئول مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی ۹۶/۸ درصد و در بخش دولتی ۵۹/۸ درصد بود. بنابراین، از دید اغلب پرسش‌شوندگان، خصوصی‌سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد (جداول ۳ و ۵ و ۶).

در گویه شماره ۳ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می‌دهد» مورد نظرسنجی قرار گرفت که در مجموع، ۷۱/۵ درصد پاسخگویان موافق یا کاملاً موافق با این گویه بودند. در میان پاسخگویان بخش خصوصی این نسبت ۹۰/۳ درصد و در بخش دولتی ۵۹/۸ درصد بود. چنانکه پیداست اکثر پاسخگویان (به ویژه در بخش خصوصی) معتقدند که خصوصی‌سازی آموزش عالی، به افزایش رقابت در این بخش کمک می‌کند.

گویه شماره ۴ عبارت «دانشگاه‌های دولتی، بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت‌های خود به بخش خصوصی داشته باشند» را مورد قضاوت مدیران آموزش عالی اعم از مؤسسات بخش خصوصی و بخش دولتی قرار می‌دهد. در مجموع، پاسخ‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۰/۳ درصد پاسخگویان موافق یا کاملاً موافق این گویه هستند در میان مدیران بخش خصوصی ۷۵/۸ درصد پاسخگویان موافق و یا کاملاً موافق این گویه هستند. این نسبت در مؤسسات دولتی آموزش عالی معادل ۴۸/۷ درصد است. جالب آنکه مدیران مؤسسات خصوصی نگرانی بیشتری از باز نبودن دست مؤسسات آموزش عالی دولتی برای برون‌سپاری فعالیت‌های خود به بخش خصوصی دارند.

گویه شماره ۵ این است: «خصوصی‌سازی آموزش عالی، الزاماً باعث افزایش کیفیت آموزش عالی نمی‌شود» به عبارت دیگر، صرفاً با انجام خصوصی‌سازی نمی‌توان توقع داشت که کیفیت در آموزش عالی افزایش یابد. از کل پاسخگویان ۵۷/۱ درصد با این گویه موافق بوده‌اند. این نسبت برای پاسخگویان بخش خصوصی ۴۰/۳ درصد و برای بخش دولتی ۷۰/۲ درصد بوده است.

در گویه شماره ۶ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی، افزایش رضایت مشتریان را به دنبال دارد» آورده شده است. به لحاظ تئوریک، از آنجا که بخش خصوصی اگر در

یک محیط رقابتی فعالیت کند، به دنبال جلب رضایت مشتری است، بنابراین، خصوصی سازی منجر به افزایش رضایت مشتریان می‌شود اما در عمل، در ایران شاهد بوده‌ایم که مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و خصوصی، چندان به دنبال جلب رضایت مشتری نبوده‌اند. با این وجود، نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۹/۱ درصد) گزینه موافق یا کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. این نسبت در پاسخگویان بخش خصوصی ۶۵/۱ درصد و در پاسخگویان بخش دولتی ۳۶/۸ درصد بوده است. چنانکه پیداست مسئولان مؤسسات آموزش عالی دولتی چندان با این گویه موافق نبوده‌اند.

در گویه شماره ۷ این فرضیه که «با افزایش مؤسسات آموزش عالی خصوصی، عملکرد دانشگاه‌های دولتی ایران بهبود می‌یابد» مورد نظرسنجی قرار گرفت. این پرسش، از آن رو اهمیت دارد که طبق یافته‌های آلبرت هیرشمن، خصوصی سازی الزاماً باعث افزایش رقابت و بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی نمی‌شود (مالجو-۱۳۸۱). با این وجود ۴۳/۸ درصد از پاسخگویان، گزینه «موافق» یا «کاملاً موافق» را برای این گویه و ۲۴/۸ درصد، گزینه «مخالف» یا «کاملاً مخالف» را انتخاب کرده بودند. بدین ترتیب، بیشتر پاسخگویان با این گزینه موافق بودند. در میان مسئولان مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۵۶/۶ درصد کاملاً موافق و یا موافق بوده و در میان مسئولان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ۳۴/۲ درصد از آنان کاملاً موافق و یا موافق این گزینه بودند (جدول ۵و۶).

گویه ۸ (به ترتیبی که در جدول ۳ آمده است) عبارت «هم اکنون مؤسسات آموزش عالی خصوصی موجود، از استقلال سازمانی لازم (در زمینه‌های مالی، مدیریتی، آموزشی و ...) برخوردار نیستند» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. در مجموع ۴۰/۷ درصد پاسخگویان موافق و یا کاملاً موافق با این گویه بوده‌اند. بنابراین، بسیاری از پاسخگویان مخالف و یا کاملاً مخالف با این گویه بوده‌اند. به عبارت دیگر، بسیاری از پاسخگویان بر این نظرند که میزان استقلالی که مؤسسات آموزش عالی خصوصی از آن برخوردارند در حد کفایت نیست. موافقان (یا کاملاً موافقان) این گویه در میان پاسخگویان مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی معادل ۵۱/۶ درصد و در بخش دولتی ۳۱/۹ درصد است (جدول ۵ و ۶).

جدول (۵) توزیع فراوانی نظر پاسخگویان در مورد ابعاد مختلف خصوصی سازی آموزش عالی

(دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی و خصوصی)

کاملاً موافق	موافق	تأخوری	مخالف	کاملاً مخالف	گویه‌ها
۷۴.۶	۲۲.۲	۱.۶	-	۱.۶	۱- خصوصی سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه های دولت را کاهش می دهد.
۵۵.۶	۳۴.۹	۶.۳	۳.۲	-	۲- لازمه موفقیت خصوصی سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است.
۴۶.۸	۴۳.۵	۸.۱	۱.۶	-	۳- خصوصی سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می دهد.
۲۵.۸	۵۰.۰	۱۱.۳	۱۲.۹	-	۴- دانشگاه های دولتی بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت های خود به بخش خصوصی داشته باشند.
۲۲.۲	۴۲.۹	۲۸.۶	۴.۸	۱.۶	۵- خصوصی سازی آموزش عالی، افزایش رضایت مشتریان را به دنبال دارد.
۲۸.۳	۲۸.۳	۲۶.۷	۱۶.۷	-	۶- با افزایش مؤسسات آموزش عالی خصوصی، عملکرد دانشگاه های دولتی ایران بهبود می یابد.
۲۴.۲	۲۷.۴	۲۹.۰	۱۷.۷	۱.۶	۷- هم اکنون مؤسسات آموزش عالی خصوصی موجود، از استقلال سازمانی لازم (در زمینه های مالی، مدیریتی، آموزشی و ...) برخوردار نیستند.
۲۴.۲	۲۲.۶	۲۱.۰	۲۹.۰	۳.۲	۸- هم اکنون بخش دولتی، رقیب یا مانعی برای گسترش خصوصی سازی آموزش عالی در ایران است.
۱۱.۳	۲۹.۰	۱۱.۳	۴۰.۳	۸.۱	۹- خصوصی سازی آموزش عالی، الزاماً باعث افزایش کیفیت آموزش عالی نمی شود.
۹.۸	۲۶.۲	۱۶.۴	۲۹.۵	۱۸.۰	۱۰- خصوصی سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه های دولتی موجود نیز بشود.
۱۳.۳	۱۶.۷	۱۰.۰	۳۸.۳	۲۱.۷	۱۱- بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود.
۹.۷	۱۹.۴	۲۷.۴	۳۸.۷	۴.۸	۱۲- هم اکنون فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک است.
۸.۲	۱۶.۴	۲۹.۵	۴۲.۶	۳.۳	۱۳- خصوصی سازی آموزش عالی، تاکنون بیش از حد انجام گرفته است.
۴.۸	۱۱.۳	۳۲.۳	۴۱.۹	۹.۷	۱۴- عملکرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، تاکنون موفق نبوده است.
-	۱۱.۳	۱۶.۱	۵۱.۶	۲۱.۰	۱۵- خصوصی سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش می دهد.
۴.۸	۱.۶	۸.۱	۵۴.۸	۳۰.۶	۱۶- اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود.
-	۳.۳	۶.۷	۶۳.۳	۲۶.۷	۱۷- خصوصی سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه ها لطمه می زند.

گویه شماره ۹ عبارت «عملکرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، تاکنون موفق نبوده است» را به نظر سنجی گذاشته است. از مجموع پاسخگویان، ۳۱/۱ درصد

کاملاً موافق و یا موافق بوده‌اند. در عوض ۲۸/۹ درصد نیز کاملاً مخالف و یا مخالف بوده‌اند. به عبارت دیگر، موافقان و مخالفان این گویه تقریباً برابرند و از پاسخ‌های به دست آمده نمی‌توان به نتیجه مشخصی در مورد اینکه آیا سیاست خصوصی‌سازی در ایران تاکنون موفق بوده است یا نه دست یازید. در عوض پاسخگویان بخش خصوصی‌سازی تا حدودی خصوصی‌سازی انجام گرفته را موفق ارزیابی می‌کنند؛ چرا که ۵۱/۶ درصد از آنان مخالف و یا کاملاً مخالف این هستند که خصوصی‌سازی آموزش عالی موفق نبوده است. اما بسیاری از آنها (۴۶/۷ درصد) گزینه «تا حدودی» را برای این گویه انتخاب کرده‌اند (ردیف ۱۴ از جدول ۵).

جدول (۶) توزیع فراوانی نظر پاسخگویان در مورد ابعاد مختلف خصوصی‌سازی آموزش عالی (دانشگاه‌های دولتی)

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق
۱- لازمه موفقیت خصوصی‌سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است.	-	۷.۹	۳.۹	۲۳.۷	۶۴.۵
۲- خصوصی‌سازی آموزش عالی، الزاماً باعث افزایش کیفیت آموزش عالی نمی‌شود.	-	۵.۲	۲۴.۷	۴۰.۳	۲۹.۹
۳- خصوصی‌سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد.	۱.۳	۱۰.۴	۲۸.۶	۳۶.۴	۲۳.۴
۴- خصوصی‌سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می‌دهد.	۲.۶	۲۰.۸	۲۰.۸	۳۳.۸	۲۲.۱
۵- دانشگاه‌های دولتی بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت‌های خود به بخش خصوصی داشته باشند.	۷.۷	۱۷.۹	۲۵.۶	۳۵.۹	۱۲.۸
۶- عملکرد خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران، تاکنون موفق نبوده است.	-	۱۰.۷	۴۶.۷	۲۴.۰	۱۸.۷
۷- خصوصی‌سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهد.	۷.۷	۳۰.۸	۲۳.۱	۲۴.۴	۱۴.۱
۸- خصوصی‌سازی آموزش عالی، افزایش رضایت مشتریان را به دنبال دارد.	۲.۶	۳۰.۳	۳۰.۳	۲۵.۰	۱۱.۸
۹- اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود.	۱۰.۸	۳۲.۴	۲۰.۳	۲۳.۰	۱۳.۵
۱۰- با افزایش مؤسسات آموزش عالی خصوصی، عملکرد دانشگاه‌های دولتی ایران بهبود می‌یابد.	۳.۹	۲۷.۶	۳۴.۲	۲۲.۴	۱۱.۸

۹.۷	۲۲.۲	۳۰.۶	۳۳.۳	۴.۲	۱۱- هم‌اکنون مؤسسات آموزش عالی خصوصی موجود، از استقلال سازمانی لازم (در زمینه‌های مالی، مدیریتی، آموزشی و ...) برخوردار نیستند.
۱۳.۲	۱۸.۴	۱۵.۸	۴۲.۱	۱۰.۵	۱۲- خصوصی‌سازی آموزش عالی، تاکنون بیش از حد انجام گرفته است.
۱۳.۵	۱۳.۵	۲۰.۳	۳۹.۲	۱۳.۵	۱۳- خصوصی‌سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه‌ها لطمه می‌زند.
۱۰.۵	۱۴.۵	۳۶.۸	۳۰.۳	۷.۹	۱۴- هم‌اکنون فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک است.
۵.۱	۱۰.۳	۴۲.۳	۳۳.۳	۹.۰	۱۵- هم‌اکنون بخش دولتی، رقیب یا مانعی برای گسترش خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران است.
۵.۵	۹.۶	۱۱.۰	۴۹.۳	۲۴.۷	۱۶- بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود.
۵.۳	۷.۹	۷.۹	۳۵.۵	۲۳.۴	۱۷- خصوصی‌سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه‌های دولتی موجود نیز بشود.

گویه شماره ۱۰ عبارت «هم‌اکنون بخش دولتی، رقیب یا مانعی برای گسترش خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران است» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. در مجموع ۳۸/۳ درصد مخالف (و یا کاملاً مخالف) و ۲۹/۱ درصد موافق (و یا کاملاً موافق) این گزینه هستند. در پاسخگویان بخش خصوصی ۴۶/۸ درصد موافق (و یا کاملاً موافق) و در پاسخگویان بخش دولتی ۱۵/۴ درصد موافق (و یا کاملاً موافق) این گزینه هستند. به هر حال، چنانکه پیداست در مجموع بیشتر پاسخگویان، بخش دولتی را مانعی برای گسترش بخش خصوصی آموزش عالی نمی‌دانند.

گویه شماره ۱۱ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی، تاکنون بیش از حد انجام گرفته است» را به نظرسنجی گذاشته است. مخالفان این گویه بیش از موافقان است به طوری که در مجموع پاسخگویان (اعم از مسئولان مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی و بخش دولتی) ۴۹/۲ درصد مخالف و یا کاملاً مخالف و ۲۹/۰ درصد موافق و یا کاملاً موافق بوده است. بنابراین، از این نظر چنین می‌توان استنباط کرد که هنوز جا برای حضور بیشتر بخش خصوصی در آموزش عالی ایران وجود دارد. موافقان یا کاملاً موافقان در پاسخگویان بخش خصوصی ۲۴/۶ درصد و در بخش دولتی ۳۱/۶ درصد بوده‌اند.

گویه شماره ۱۲ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهد» را مورد قضاوت مدیران آموزش عالی مؤسسات بخش خصوصی و بخش دولتی قرار می‌دهد. در مجموع ۵۳/۳ درصد یا اکثریت پاسخگویان مخالف و یا کاملاً مخالف این گویه هستند. به عبارت دیگر، اینان معتقدند که خصوصی‌سازی آموزش عالی، شکاف طبقاتی ناشی از دسترسی به آموزش عالی را افزایش «نمی‌دهد». این نسبت در میان پاسخگویان مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی ۷۲/۶ درصد و در میان پاسخگویان مؤسسات آموزش عالی بخش دولتی معادل ۳۸/۵ درصد است.

گویه شماره ۱۳ عبارت «هم اکنون فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک است» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. در مجموع ۲۶/۶ درصد یا یک چهارم پاسخگویان موافق یا کاملاً موافق این گویه هستند. به عبارت دیگر، نظر غالب بر این است که فرایند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، سختگیرانه و بروکراتیک «نیست». در بخش خصوصی کسانی که موافق گویه (یعنی سختگیرانه بودن روند ایجاد مؤسسات خصوصی آموزش عالی) هستند ۲۹/۱ درصد و در بخش دولتی ۲۵/۰ درصد است.

گویه ۱۴ عبارت «اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. پاسخ‌های به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع ۶۲ درصد با این گویه مخالف و یا کاملاً مخالف و تنها ۲۳/۳ درصد موافق و یا کاملاً موافقند. به عبارت دیگر، اکثریت پاسخگویان معتقدند اصل ۴۴ بایستی به حوزه آموزش عالی نیز تسری یابد. در بخش خصوصی، کسانی که مخالف (یا کاملاً مخالف) تسری نیافتن سیاست‌های جدید ابلاغی اصل ۴۴ به بخش آموزش عالی هستند (و یا موافق تسری یافتن اصل ۴۴ به بخش آموزش عالی هستند) ۸۵/۴ درصد و در بخش دولتی ۴۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند.

گویه شماره ۱۵ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه‌های دولتی موجود نیز بشود» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. این گویه از آن لحاظ طرح شد که برخی دیدگاه‌ها معتقد به کاهش بخش دولتی آموزش عالی (به ازای رشد بخش خصوصی) هستند. روشی که به عنوان مثال کشور روسیه در پیش گرفت و حضور

بیشتر بخش خصوصی در آن کشور مرادف با کاهش وسعت فعالیت‌های دولت بود. اکثر پاسخگویان (۶۵/۲ درصد) مخالف این روش و تنها ۲۳/۱ درصد موافق آنند. مخالفان (یا کاملاً مخالف) این گویه در بخش خصوصی ۳۷/۵ درصد و در بخش دولتی ۷۸/۹ درصد هستند.

گویه شماره ۱۶ عبارت «بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود» را مورد نظرسنجی قرار می‌دهد. اهمیت این پرسش از آن رو است که هم اکنون، طبق قانون تجارت، مؤسسات آموزش عالی خصوصی مؤسساتی «غیرانتفاعی» محسوب می‌شوند که مجاز به اندوختن سود نیستند. اما برخی از مدیران و مسئولان مؤسسات آموزش عالی خصوصی خواهان برداشتن لفظ «غیرانتفاعی» و تأسیس مؤسسه آموزش عالی در چارچوب یک «شرکت انتفاعی» هستند. به هر حال، پاسخ‌های به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع تنها ۲۱/۷ درصد پاسخگویان موافق یا کاملاً موافق با این عبارت هستند. این نسبت در بین مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۳۰/۰ درصد و در بین مؤسسات آموزش عالی دولتی ۱۵/۱ درصد است. جالب آنکه ۶۰/۰ درصد مدیران مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیز مخالف (و یا کاملاً مخالف) این گویه هستند و به هر دلیل به غیرانتفاعی ماندن مؤسسات آموزش عالی خصوصی رأی می‌دهند.

گویه شماره ۱۷ عبارت «خصوصی‌سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه‌ها لطمه می‌زند» را به نظرسنجی می‌گذارد. این گویه از آن رو طرح شد که برخی افراد اصولاً خصوصی‌سازی آموزش عالی را موجب بازاری شدن و دنبال سود اقتصادی رفتن دانشگاه‌ها دانسته و آن را موجب لطمه زدن به هویت دانشگاه می‌دانند. در مجموع، از کل پاسخگویان این گویه، ۱۶/۳ درصد موافق یا کاملاً موافق و در مقابل ۶۹/۷ درصد مخالف و یا کاملاً مخالف این نظر هستند. به عبارت دیگر، به نظر غالب پاسخگویان، خصوصی‌سازی الزاماً باعث لطمه دیدن هویت دانشگاه نمی‌شود. ۹۰ درصد پاسخگویان مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی با این گویه کاملاً مخالف و یا مخالف هستند. این نسبت در بخش دولتی ۵۲/۷ درصد است.

با وجود اختلاف نظری که در مورد برخی پرسش‌ها بین مدیران و مسئولان

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی وجود دارد اما در مجموع به نظر می‌رسد گرایش کلی نظرات آنها به یک سمت است. مثلاً هر دو موافق این گزینه هستند که خصوصی‌سازی آموزش عالی، فشار مالی بر هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد و یا خصوصی‌سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات را افزایش می‌دهد و برعکس هر دو اینها در مورد این موضوعات کمترین موافقت را ابراز کرده‌اند: بایستی مجوز تأسیس «دانشگاه انتفاعی» توسط بخش خصوصی داده شود و یا خصوصی‌سازی آموزش عالی بایستی شامل واگذاری دانشگاه‌های دولتی موجود نیز بشود. همچنین هر دو گروه پاسخگویان با این گویه که اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی «نباید» شامل بخش آموزش عالی شود، بیشترین ابراز مخالفت را کرده‌اند. به عبارت دیگر آنها خواهان تسری سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ به بخش آموزش عالی هم هستند. البته چنانکه می‌دانیم مجلس شورای اسلامی با این امر مخالفت کرده و اجرای اصل ۴۴ در بخش سلامت و آموزش (از جمله آموزش عالی) را ممنوع کرد و این موضوع هم اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است.

گرچه در یک نگاه کلی به پاسخ‌های به دست آمده می‌توان چنین استنباط کرد که دیدگاه برخی از پاسخگویان مؤسسات آموزش عالی بخش دولتی به مقوله خصوصی‌سازی آموزش عالی دیدگاهی بدبینانه است و جنبه‌های منفی آن بیشتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد. این نتیجه می‌تواند مؤید این نکته باشد که در مواردی عدم اعتقاد مسئولان دولتی به رویکرد خصوصی‌سازی ممکن است در روند صحیح اجرای آن اختلال ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی روند خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران را می‌توان چنین خلاصه کرد: بدون حضور بخش خصوصی واقعی در کنار نقش گسترده بخش دولتی و شبه دولتی در آن، بدون رقابت، بدون آزاد سازی بازار، بدون چارچوب‌های نظارت و ارزیابی کیفیت، بدون حضور مؤسسات خارجی، بدون حمایت‌های مالی و قانونی از بخش خصوصی واقعی، بدون مبانی نظری و نیز گسترش آموزش عالی تنها در جهت پاسخگویی به فشارهای ناشی از تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی.

گفت‌وگو در باب اینکه خصوصی سازی و شرایط رقابت‌آمیز اقتصاد بازار آزاد سودمند است، اهمیت و نقش دولت را انکار نمی‌کند.^۱ ایران یکی از کم‌ترین حمایت‌ها را از بخش آموزش عالی به عمل می‌آورد. مثلاً شاخص میزان هزینه‌های دولتی آموزش عالی نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP) در ایران ۰/۷ درصد است که نرخ پایینی محسوب می‌شود. این نرخ در مالزی ۱/۷ درصد است.^۲ و یا سهم هزینه‌های دولتی آموزش عالی از کل هزینه‌های بودجه عمومی دولت ۳/۴ درصد بوده که این نسبت در مالزی ۸/۸ درصد است (نورشاهی-۱۳۸۷).

معضل دیگر خصوصی‌سازی آموزش عالی بحث انحصار است که البته کل اقتصاد ایران با آن مواجه است. به عنوان مثال، دو خودروساز اول کشور نزدیک به ۹۰ درصد بازار خودروی ایران را در اختیار دارند. علی‌رغم ورود بخش خصوصی، نظام بانکی و اعتباری ما عمدتاً دولتی -عمومی است و برآورد می‌شود که ۹۵ درصد دارایی‌های بانکی در دست دولت، شبه دولت و سازمان‌های عمومی و حکومتی باشد. در بخش مخابرات نیز چنین است. نگاهی به روند خصوصی‌سازی نشان می‌دهد بخش‌ها و صنایعی که در این چند سال خصوصی شده‌اند، عمدتاً در دست نهادهای شبه دولتی یا عمومی قرار گرفته‌اند. بنابراین، دموکراسی اقتصادی حاصل نشده و آنچه در دست مردم قرار دارد، کوچک و ناچیز است. در بخش آموزش عالی نیز اگر بخش خصوصی واقعی را دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی در نظر بگیریم سهم آنان از کل عرضه آموزش عالی تنها ۳/۴ درصد است و یک انحصار دو قطبی شامل دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و دانشگاه آزاد بر بازار خدمات آموزش عالی حاکم است.

قبل از هر چیز برای موفقیت خصوصی‌سازی، ایجاد یک فضای گفتمان اجتماعی میان ذی‌نفعان، ضروری است. همچنین برای ایجاد شفافیت در خصوصی‌سازی مهم این است که نایستی امتیاز ویژه‌ای برای گروه‌های خاص در نظر گرفته شود. موارد دیگری

1. Barr and Crawford-2005

2. Unesco-2007

که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از: التزام و پایبندی به استانداردهای تعیین شده، انتشار شفاف اطلاعات، شرایط واگذاری و نوع قرارداد از طریق رسانه‌های عمومی بالاخره اینکه هر راهکاری که رقابت را افزایش دهد، شفافیت را نیز افزایش می‌دهد.

پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی - غیر انتفاعی نیز نکات مهمی را یادآور می‌شود؛ از جمله اینکه: لازمه موفقیت خصوصی‌سازی آموزش عالی، ایجاد یک نظام ارزیابی کیفیت است؛ دانشگاه‌های دولتی بایستی آزادی عمل بیشتری در واگذاری فعالیت‌های خود به بخش خصوصی داشته باشند و خصوصی‌سازی آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات آموزش عالی را افزایش می‌دهد. این پرسش‌شوندگان همچنین با موارد زیر مخالفت کرده اند: اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید شامل بخش آموزش عالی شود؛ خصوصی‌سازی آموزش عالی به اصالت و هویت واقعی دانشگاه‌ها لطمه می‌زند و خصوصی‌سازی آموزش عالی، بایستی شامل واگذاری دانشگاه‌های دولتی موجود نیز بشود.

منابع

- ابراهیمی، یزدان (۱۳۷۵). خصوصی سازی آموزش عالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران
- رفعت جاه، مریم (۱۳۷۸). بررسی جایگاه آموزش عالی خصوصی در نظام آموزش عالی کشور (طرح تحقیقاتی)، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی،
- روشن، احمد رضا (۱۳۸۷). بررسی تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی در آموزش عالی (طرح تحقیقاتی)، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- سانپال، بیگاس سی (۱۳۷۹). نوآوری در مدیریت دانشگاهی - مترجمان: ویدا میری و عبدالرحیم نوه ابراهیم، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- طباطبایی یزدی، رویا (۱۳۸۵). الزامات، روش ها و مصارف درآمدی خصوصی سازی - مرکز پژوهش های مجلس
- مالجو، محمد (۱۳۸۱). اعتراض جامعه مدنی به مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی سازی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶
- نورشاهی، نسرين. (۱۳۸۷). بررسی شاخص های کمی و کیفی آموزش عالی و مقایسه آن با سطوح بین المللی (طرح تحقیقاتی)، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- وندر هوون، رولف و سیراتسکی، جورج، (۱۳۷۷). درس هایی از خصوصی سازی، مترجم: علی دینی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- Barr Nickolas and Iain Crawford (2005) - Financing Higher Education - Routledge press.
- Kikery, Sunita and Nellis, John (2004) – An Assessment of Privatization – The World Bank Research observer, Vol. 19, No. 1
- Schmidt, Klaus (1996). The Cost and Benefits of Privatization- The Journal of Law, Economics and Organization – Vol. 12- No.1
- Sheshinski and Lopez – Calva (2003) – Privatization and Its Benefits: Theory and Evidence – Cesifo Economic studies, vol. 49
- Washburn, Jennifer (2005) - University, INC: The Corporate corruption of Higher Education - Basic Books.
- Unesco (2007), Enrolment by ISCED levels, Institute for Statistics, Uneso

